

☆ ((بسوی خرد)) ☆

اشتقاق تساویک - نویسنده و بیوگراف معروف که نگارشهای ارحاکی از تجسم و علل و عوامل فساد و حوادث است و مردی دوربین و عمیق و محقق و صاحب نظر بوده و خود او یکی از ضایعات و زیانهای غوغای جنک دوم میباشد بوضع محسوسی از عناصر و عوامل زندگانی متلاطم و افکار مایخولیائی عصر سخن میگوید .

در موضوع فرهنگ مینویسد : نسل جوان در نتیجه نحرمان از آسایش بر اثر متاعب و مصائب مستمر به تمدن و موجودیت دیروز و امروز و معلوم و فرهنگ و گفته های آموزگاران قدیم و هر چه وجود دارد با نظر نفرت و تلخی نگاه میکند و برنامه معارف را پوچ و بی ثمر و بی فایده میدانند و نمیتوانند هیچ موضوع و مطلبی را مخالف میل فراگیرد و درست فکر و قضایات خود را روی ضدیت و خصومت با همه چیز پرورش میدهد - دختران خود را در لباس و پوشاک مردان در میآورند و پسران بد نمیدانند که به حلال و زبور زنان خود را بیارایند - علاقه به جنس موافق در میان زنان و مردان شدت یافته و این عشق خلاف طبیعت برای این تعمیم و توسعه پیدا میکند که از علائق مشروع خانوادگی آزاد باشند و مسئولیتهائی که پدران و مادران داشته اند برای آنان تکرار نشود و علاوه بر این با اصول قدیمه بدینوسیله هم مخالفت شده باشد .

نوشته ها و ادبیات حالت ورنک جنون آسانی یافته با آسمان و ریسمان قافیه درست میشود و مکتب هنری - کوبیسم - که نقاشی اشکال هندسی است و مرسیقی که باروان و دل عرفان پیوسته نمیباشد مورد پسند واقع شده و حکایات و افسانه ها عاری از لطف و در همه جا آثار ادبی و نمایشها یکقوه طولانی برای تخریب بنای عظیم تمدن و اخلاق که حاصل مرور قرنهای پیشمار است در جوش میباشد .

همه آثار خوب علمی و عرفانی و دینی از مداخله و هر چه که رنک مخالف با هست و نیست پیدا کند طرفدار دارد ، عجیب این است که سالخورده گان هم برای اینکه از طبقه جوان عقب نمانند (مانند رقاصه های اوپرا که سه چهارم بدنشان را بشکل زنده ای نمایان میسازند) در صورت و معنی با ساز جوانان هم آهنگی میکنند و می رقاصند .

اوضاع واحوال باهنجار سیده که باید بیان معصوم را بخاطر آورد که فرمود
البدعة بینهم سنة والسنة بینهم بدعة

امر بمعروف ونهی از منکر ارتجاع است و کهنه پرستی - گوشها آماده
شنیدن موضوعها و مطالب علمی ودینی و اخلاقی در هیچ نوع و در هیچ حالت و ضرورتی
نمیباشد و در بعضی اجتماعات که رهبر این تعلیمات خانمانسوز هستند دیگر میان زن
و مادر و خواهر و دختر تفاوتی گذارده نمیشود این بست فطرتی و دون فطرتی را
مربیان قوم مدد میدهند زیرا بعقیده آنها خانواده سازمان زائدی است .

الدوزها کیسلی - هنگام بحث از دنیای آینده باستناد گفته های پیشوایان
فلسفی عصر تخریب مینویسد « اساس زنجیر ملل نیمه وحشی و ملل قدیم تشکیلات
خانوادگی است ، تشکیلات خانوادگی که عامل پیدایش زن و شوهر و برادران و
خواهران و عمه و خاله و عم و ودائی و پسرعمو و دختر عمه میباشد تشکیل طائفه و قبیله میشود
از لحاظ منافع خصوصی خود سبب تکوین نزاعهای عشیره میگردد و عامل محو
هزاران نفر از افراد بشر میشود علاوه بر این پیروان این مساک که نقش مهم سیاسی
را در زمان ما بازی میکنند میگویند زندقانی خانوادگی اساس رژیم سرمایه داری
و احتکار ثروت و معاونت در حفظ این اصول است ... »

این تعلیمات مخرب و بپایان کن همه اصول قدیمه را فرو میریزد آثار سوء
اقتصادی و اخلاقی دو جنگ مخرب و عمومی در فواصل کوتاه و کمتر از نیم قرن تربیت
فکری و علمی اجتماعات را تابع احتیاجات خلق الساعه نموده و مربیان و مصادر امور
ملل روی اوضاع واحوال جهان و بیم از وقوع یک جنگ سوم نمیتوانند برنامه ثابت در اصول
عقاید داشته باشند ما هم کم و بیش تحت تاثیر غوغای جهان قرار گرفته ایم و چون در فرهنگ
از لحاظ کسب صناعت و اختراعات فنی نیازمند اروپا هستیم بناچار عوامل موثر آشفته گیها
از نظر علمی و سیاسی در افکار جامعه ما هم نفوذ میکنند و اثر تلخ خود را آشکار میسازد .
باتوجه باین اوضاع درهم برهم و با فعالیتها و مساعی راهزنان عقیده و ایمان
و مکتبهای سیاسی و استعماری نامرئی و رساله ها و اوراق ضاله و بافقدان محافل موثر
برای حفظ عقاید دینی و بی اعتنائی مسئولین امر باین احوال معلوم است تا چه اندازه تربیت و تعلیم
نوآموزان و دانشجویان به منظور هدایت آنان در راه دین و ایمان با چه مشکلاتی توأم است
نسل جوان را باید از طریق تربیت روحی بر آه آورد چشمان او را برای مشاهده
حقایق باز کرد - روش تبلیغات مادیون و دولتهای جهانگیر و استعمار طلب روش مکر
و فریب است - اینها مقاصد سوء خود را در ظروف و ملباس سیاسی و اقتصادی جای
میدهند و بنام طرفداری از حقوق بشری و تقویت صلح و آزادی در سر نوشت و حق
حاکمیت ملل دخالتهای ناروا مینمایند و با اصول روانشناسی و نقاط ضعف و نمایلات

شهوانی راه یافته غلامان و مزدوران خود را بوسایل مرموزی حاکم بر مقدرات عمومی و فرهنگ و اقتصاد کشور میسازند و اراذل را بجای افاضل مینشانند ،

دعوتهای آنها مبنی بر برادری و مساوات و صلح و امنیت اجتماعی علیرغم قوت و فزونی سلاح و سپاه روی صداقت و درستی سیر نمیکنند و هر گامیکه برای اتحاد ملل و رفع ظلم و جور و بسط عدالت بظاهر برمیدارند جز دام برای صید اجتماعات ساده لوح و خوش باور و ملتپهایی که میخواهند بامید دیگران زنده باشند نیست و از این لحاظ به نسل جوان باید گفت که مسحور الفاظ دور از حقیقت نشوند و بدانند و بفهمند که اگر موجودیت دینی و ملی را ناچیز انگاشته و از اعتبار بیاندازند مانند آن است که در میدان کارزار و عرصه تنازع بقاء اسلحه مقاومت و دفاع را از دست داده کت بسته خود را تسلیم دشمن بی عاطفه و سرسخت و بی رحم و بی شفقت کرده اند .

اگر دعوات تازه را حقیقت بدانیم و از مذاهب جدید سیاسی متابعت نمایم مسلم در محیط فکر و شهوات دیگران مستحیل و در معده استعمار طلبان هضم خواهیم شد سیادت و استقلال و آزادی و شخصیت ما تا وقتی محفوظ و از نوائب دوران مصون است که قائم بدیانت و موجودیت خود باشیم .

افکار ما ، فواین ما ، معارف ما ، اقتصادیات ما بالاخره همه احتیاجات مادی و معنوی ما باید منبعث از دیانت اسلام و عرفان ملی ما باشد - این است حقایقی که باید به نسل جوان بیاموزیم .

مصادر امور ما ، مقامات روحانی و فرهنگی ما ، مطبوعات ما ، خطباء و سخنگویان ما ، از لحاظ وجوب امر بمعروف و نهی از منکر باید برای محور آثار تبلیغات بیگانان و راهزنان از زمین و فرهنگ الهام بگیرند .

ما باید بعلوم عصر جدید آشنا شویم ، فلسفه های دیگران را مورد مطالعه قرار دهیم - علم کلام را طبق احتیاجات و مفاهیم روز و بانظر واقع بینی و با توجه بمیزان افهام و عقول بسط و توسعه داده و توجه نمایم که هر قدر مطالب گذشته را تکرار کنیم و با اصطلاحات و زبان روز آشنائی پیدا ننماییم مساعی ما عبث و بیپوده خواهد بود - قاعدتاً و امثل ما اعتدی علیکم تصور نباید کرد که بار این زحمت و مطالعه همه روی دوش ما است خیر اینطور نیست - مردان خدا پرست و حقیقت بین در تمام اجتماعات وجود داشته و دارند - همانطور که دررد مکتب فلاسفه مادی یونانی حکمای ربانی مانند سقراط و ارسطو بدل همت و مجادلت نمودند عده بیشماری از حکماء و فلاسفه الهی هم در سیر حکمت و فلسفه در اروپا وجود داشته و دارند که با دلائل عقلی و نقلی و علمی و تاریخی و از روی قواعد حسی گفته های کفر آمیز مادیون را طرد و رد کرده اند .